

## به نام هستی بخش

# جمله‌هایی که زندگی ام را تکان دادند... (۱)

رامین کریمی

(روانشناس و مشاور)

عضو هیئت علمی دانشگاه



## فهرست

جمله ۱: زگهواره تاگور.....	۹ .....	جمله ۱: وابستگی.....
جمله ۲: اگر.....	۱۱ .....	جمله ۲: هویت.....
جمله ۳: ناگفته‌های میان تو و خدای تو.....	۱۳ .....	جمله ۳: زندگی دوباره.....
جمله ۴: مهربانی.....	۱۵ .....	جمله ۴: بازی زندگی.....
جمله ۵: یکی بود، یکی نبود.....	۱۷ .....	جمله ۵: آزادی.....
جمله ۶: خدا وقت.....	۱۹ .....	جمله ۶: پذیرش.....
جمله ۷: عشق‌های شیرین و فرهادی.....	۲۱ .....	جمله ۷: جنس زندگی.....
جمله ۸: بابا آب داد.....	۲۳ .....	جمله ۸: راز زندگی.....
جمله ۹: عشق یا دوست داشتن.....	۲۵ .....	جمله ۹: حقیقت.....
جمله ۱۰: لحظه دیدار.....	۲۷ .....	جمله ۱۰: لحظه عاشقی.....
جمله ۱۱: پیروزی.....	۲۹ .....	جمله ۱۱: عادت.....
جمله ۱۲: تبلی.....	۳۱ .....	جمله ۱۲: خنده.....
جمله ۱۳: آگاهی در مورد زنان!.....	۳۳ .....	جمله ۱۳: معلم خوب.....
جمله ۱۴: آنجا که خد نیست.....	۳۵ .....	جمله ۱۴: خدایا.....
جمله ۱۵: کافه نادری.....	۳۷ .....	جمله ۱۵: شرفت.....
جمله ۱۶: سلام و علیک.....	۴۱ .....	جمله ۱۶: چه کرده‌ای تابه حال.....
جمله ۱۷: شازده کوچولو.....	۴۳ .....	جمله ۱۷: خودشناسی.....
جمله ۱۸: چه چیزی را باور می‌کنی؟.....	۴۵ .....	جمله ۱۸: خوشبینی.....
جمله ۱۹: خدمت به خلق.....	۴۷ .....	جمله ۱۹: امیدواری.....
جمله ۲۰: چگونه زندگی کنی؟.....	۴۹ .....	جمله ۲۰: حکایت زندگی.....
جمله ۲۱: پارسیان.....	۵۱ .....	جمله ۲۱: نوازش.....
جمله ۲۲: لهجه ولايت مادری.....	۵۳ .....	جمله ۲۲: خلاقیت.....
جمله ۲۳: وقتی دنيا آدم!.....	۵۵ .....	
جمله ۲۴: فرق دانا و نادان.....		

## مقدمه

زندگی پُر از نشانه‌هایی است که می‌آیند و می‌روند و بعضی‌ها برخی از آنها را در می‌یابند و بر همین پایه، در زندگی دستخوش دگرگونی‌هایی می‌شوند. به عنوان یک روانشناس که ده سال از زندگی‌اش را با مشاوره، تدریس و پژوهش گذرانده، بارها و بارها با جمله‌ای از یک دوست، یک مُراجِع، یک دانشجو، یک راننده تاکسی، تکان خورده‌ام.

همین لرزه‌های کوچک زندگی است که روح آدمی را صیقل می‌دهد و تعالی می‌بخشد. زیاد می‌شئوم: «من دنبال آرامش‌ام، دنبال شادکامی‌ام، دنبال آسایش‌ام». اما عمیق‌تر که می‌شویم، معلوم می‌شود که گوینده دنبال اندکی سکوت است، خلوت است، دنبال یک مدیتیشن عمیق در عالم هستی است. گاهی ما چنان درگیر ایجاد امنیت می‌شویم که در تمام زندگی‌مان تنها می‌اندوزیم ... ثروت، قدرت و مقام ... برخی در طول زندگی‌شان زر در بالش می‌اندوزند و می‌میرند و اندوخته خود را برای ورثه می‌گذارند.

جمله‌هایی شنیده‌ایم، هر کدام که برایمان راه‌گشا بوده، به سکوت و ادارمان کرده است و به خاطرشان کلی فکر کرده‌ایم. این جمله‌ها که از دل برآمده‌اند، بر دل نیز می‌نشینند و چنین می‌شود که جمله‌ای پیش از تولد ما، حتی شاید هزاران سال پیش از ما آفریده شده است تا امروز به من و تو برسد و مسیر زندگی‌مان را عوض کند. باورم در نگارش این کتاب این بوده که

جمله ۶۹: چی برای تو بهتره؟	۱۴۵	جمله ۴۹: این نیز بگذرد	۱۰۵
جمله ۷۰: عبادت درست	۱۴۷	جمله ۵۰: وقتی بزرگ شدم، ترسیدم	۱۰۷
جمله ۷۱: خودت باش	۱۴۹	جمله ۵۱: دیوانه نیست؟!	۱۰۹
جمله ۷۲: دوست دارم، چون شیشه من نیستی!	۱۵۱	جمله ۵۲: من کیسم؟	۱۱۱
جمله ۷۳: اگر شاد باشی	۱۵۳	جمله ۵۳: عشق پرنده است	۱۱۳
جمله ۷۴: حقیقت را اسیر نکن	۱۵۵	جمله ۵۴: عشق در کجاست؟	۱۱۵
جمله ۷۵: همه آنچه تو داری	۱۵۷	جمله ۵۵: عشق بدون اشک	۱۱۷
جمله ۷۶: عشق، اسارت نیست	۱۵۹	جمله ۵۶: مهربانی	۱۱۹
جمله ۷۷: صبر داشته باش...	۱۶۱	جمله ۵۷: اثر پروانه‌ای	۱۲۱
جمله ۷۸: برایم آنچه می‌دانی لازم دارم بخواه...	۱۶۳	جمله ۵۸: شادمانی درونی شده	۱۲۳
جمله ۷۹: خدا تاکچا با تو می‌آید؟	۱۶۵	جمله ۵۹: بخشنودی تو، خشنودم	۱۲۵
جمله ۸۰: مسافرها این‌گونه‌اند	۱۶۷	جمله ۶۰: در پایان...	۱۲۷
جمله ۸۱: شاهزاده، گدا...	۱۶۹	جمله ۶۱: منشور کورش	۱۲۹
جمله ۸۲: علم بهتر است یا ثروت؟!	۱۷۱	جمله ۶۲: صلح، آرامش	۱۳۱
جمله ۸۳: الکی شلوغ نکن!	۱۷۳	جمله ۶۳: دزدان قدیمی بهترند!	۱۳۳
جمله ۸۴: دوست دارم	۱۷۵	جمله ۶۴: فرق کاهن و پارسا	۱۳۵
		جمله ۶۵: در قبال بدی چه می‌کنی؟	۱۳۷
		جمله ۶۶: تلاش بیهوده	۱۳۹
		جمله ۶۷: اگر نادان خاموش می‌شد...	۱۴۱
		جمله ۶۸: انسان و کائنات	۱۴۳

به پیامی که در پس این جمله‌هاست دقت شود و خواننده آسان از کنار جمله‌ها نگزد که گرچه وحی نیستند، اما تکان دهنده‌اند. نشانه‌های کائنات را می‌توانیم در دیده‌ها و شنیده‌هایمان لمس کنیم اگر تنها کمی با دقت بیشتری دنیا را تماشا کنیم. اگر تنها کمی صدای رادیو را کم کنیم، لحظه‌ای دست از خوردن برداریم، چشم دل بگشاییم و اندکی سکوت نماییم. سلام جان جهان را خواهیم شنید ...

## جمله ۱



### وابستگی

زندگی حیرتی است همیشگی. همه باورها خفه کننده‌اند و همه وابستگی‌ها دست به دست هم می‌دهند تا تو زنده واقعی نباشی. آنها موجودیت تو را می‌میرانند. دو دستی چسبیدن به هر چیزی — حال هرچه می‌خواهد باشد — نشانگر بسی اعتمادی است. آرام و قرار را فقط کسانی می‌شناسند که هنر بی‌آرزویی را درک کرده‌اند ...

همه به دنبال آرامش‌اند و دم از کمال می‌زنند. یکی درویش آپارتمان نشین است و دیگری در تبت به دنبال عکس یادگاری. همه به دنبال لبخند هستند و نمی‌خواهند یا نمی‌توانند لبخندی بر لبی بنشانند و آرام و بی‌صدا، بی‌آنکه نگاهی بر خطوط زاید صورت چرک دخترک فال فروش با آن نگاه بی‌گناه و موهای وزکرده‌اش بیاندازند، راه خود را می‌گیرند و می‌رونند ... بنده این من نتوان خسته‌اند و از تعالی می‌گویند. یادشان رفته است که اگر کمال با واسطه

رامین کریمی

۸۸ تیرماه

تهران

iamraminkarimi@gmail.com